

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



Literature

درس

۱

ستایش (لطف خدا)، نیکی، همت

راش آموزان عزیز! توصیه می‌کنیم برای استفاده بصیر از کتاب، ضمیمه‌های انتهای جلد اول را با دقت مطالعه نمایید.

ستایش: لطف خدا



تاریخ ادبیات

فرهاد و شیرین: وحشی بافقی

قالب: مثنوی

به نام چاشنی بخش زبان / حلاوت سنج معنی در میان

قلمرو زبانی چاشنی‌بخش: آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه می‌شود. / حلاوت: شیرینی / بیان: زبان‌آوری، سخن
 یک جمله دارد. / فعل «آغاز می‌کنم» حذف به قرینه معنوی ❖ نام چاشنی بخش زبان‌ها / حلاوت سنج معنی: ترکیب اضافی
قلمرو ادبی نسبت دادن «حلاوت» به «معنی»: حس آمیزی ❖ اشاره به مفهوم «علمه‌البیان»، (به او بیان آموخت). (سوره الرحمن / آیه ۴):
 تلمیح ❖ «زبان، بیان، معنی» و «چاشنی، حلاوت»: مراعات نظیر ❖ چاشنی «استعاره از» زیبایی ❖ حلاوت سنج معنی: اضافه استعاری ❖ زبان
 «مجاز از» سخن
قلمرو فکری با نام خداوندی آغاز می‌کنم که به سخن انسان زیبایی را بخشیده است و شیرینی و جذابیت معنی را در بیان انسان قرار داده است.
 (مفهوم: عنایت و لطف خدا به انسان در گویایی و شیرینی سخن و معنا / آغاز سخن با نام خدا)

بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش

قلمرو زبانی نژند: خوار و زبون، اندوهگین ❖ بیت چهار جمله دارد. (الگوی جمله اول و سوم: نهاد + مسند + فعل / الگوی جمله دوم و چهارم: نهاد + مفعول + مسند + فعل) ❖ بلند، نژند: مسند / «ش»: مفعول ❖ فعل جمله اول و سوم به قرینه معنوی حذف شده است. ❖ شیوه بلاغی: تقدم فعل بر مسند و مفعول (خواهد بلندش) ❖ آن را بلند خواهد. / خواهد نژندش ❖ آن را نژند خواهد. ❖ آن سر / آن دل: ترکیب وصفی
قلمرو ادبی دل، سر: مراعات نظیر ❖ تقابیل بین «بلندی سر» و «نژند بودن دل»: تضاد ❖ اشاره به مفهوم آیه «تعز من تشاء و تذلل من تشاء» (هر که را بخواهد، عزت می‌دهد و هر که را بخواهد، خوار می‌کند). (آل عمران / ۲۶): تلمیح ❖ هم‌آوایی واژگان دو مصراع: موازنه ❖ بلندی سر «کنایه از» عزت و افتخار ❖ سر، دل «مجاز از» انسان / واژه‌های «بلند»، «نژند»: تکرار
قلمرو فکری هر که را خدا سربلند کند، سربلند و عزیز است و هر دلی را که خدا غمگین کند، غمگین است. (مفهوم: غم و شادی واقعی به دست خدا)

در نایب احسان گشاده‌ست / به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست

قلمرو زبانی نایب‌سته: گشوده، باز / احسان: خوبی، نیکی، نیکوکاری / می‌بایست: لازم بود، ضرورت داشت ❖ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم (می‌بایست): نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مفعول + متمم + فعل)
 ❖ نهاد جمله‌ها به قرینه لفظی حذف شده است. / در: مفعول ❖ در نایب‌سته احسان: ترکیب وصفی و اضافی
قلمرو ادبی تکرار صامت «س»: واج‌آرایی ❖ اشاره به آیه «إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (همانا خداوند هر کس را که بخواهد، بی حساب، روزی می‌دهد). (آل عمران / ۳۷): تلمیح ❖ در احسان: اضافه استعاری
قلمرو فکری در نیکوکاری و احسان را که هیچ‌گاه بسته نمی‌شود، باز کرده و به هر کس آنچه لازم بوده، بخشیده است. (مفهوم: فراگیر بودن نیکی و روزی‌بخشی خدا)

به ترتیب ناه وضع عالم

که نی یک موی باشدیش و نی کم

قلمرو زبانی وضع: حال و روش، حالت / نی: نه □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم و سوم: نهاد + مسند + فعل) ❖ وضع: مفعول / فعل جمله سوم به قرینه لفظی حذف شده است. ❖ شیوه بلاغی: تقدم فعل بر مفعول در جمله اول ❖ وضع عالم: ترکیب اضافی / یک موی: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی بیش، کم: تضاد ❖ «نی»: تکرار ❖ یک موی: کنایه از «کمترین چیز» ❖ عالم: «مماز از» موجودات و اجزای جهان **قلمرو فکری** عالم هستی را به گونه ای آفریده است که کوچک ترین چیزی از آن نه کم است و نه زیاد. (مفهوم: وجود حکمت الهی و حسابگری در آفرینش جهان)

اگر لطف قرین حال کردد

بهر ادبار اقبال کردد

قلمرو زبانی قرین: همنشین، همراه / ادبار: بدبختی، سیه روزی؛ متضاد اقبال / اقبال: خوشبختی، سعادت □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله ها: نهاد + مسند + فعل) ❖ قرین، اقبال: مسند ❖ لطفش، قرین حال: ترکیب اضافی / همه ادبار: ترکیب وصفی **قلمرو ادبی** ادبار، اقبال: تضاد ❖ نسبت دادن «قرین شدن» به «لطف»: استعاره **قلمرو فکری** اگر لطف و مهربانی خدا همراه حال انسان شود، تمامی بدبختی ها به خوشبختی تبدیل می شود. (مفهوم: لطف خدا سبب خوشبختی)

و که توفیق او یک سو نند پای

نه از تدبیر کار آید نه از رای

قلمرو زبانی توفیق: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن / تدبیر: اندیشه کردن در عاقبت کار، تفکر، تأمل، اندیشه / رای: فکر و اندیشه کردن، دیدن با عقل □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله ها: نهاد + فعل) ❖ فعل جمله پایانی به قرینه لفظی حذف شده است. ❖ توفیق او: ترکیب اضافی / یک سو: ترکیب وصفی **قلمرو ادبی** تکرار صامت «ر» در مصراع دوم: واج آرایی ❖ واژه «نه»: تکرار ❖ پای، رای: جناس ناهمسان ❖ تدبیر، رای: مراعات نظیر ❖ نسبت دادن ویژگی های انسانی به توفیق، تدبیر و رای: استعاره (تشخیص) / پا یک سو نهادن: کنایه از «همراهی نکردن، کناره گیری کردن» **قلمرو فکری** اگر توفیق و توجه خدا نباشد (شامل حال کسی نشود)، کاری از دست عقل، تدبیر و اندیشه بر نمی آید. (مفهوم: عجز عقل و اندیشه بدون عنایت و توفیق خدا / آنچه خدا خواست همان می شود.)

خرد را که بنشد روشنایی

بماند تا ابد در تیره رایی

قلمرو زبانی تیره رایی: بداندیشی، گمراهی □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل) ❖ نهاد جمله ها به قرینه لفظی حذف شده است. ❖ خرد: مفعول / روشنایی: مفعول دوم **قلمرو ادبی** روشنایی، تیره رایی: تضاد ❖ نسبت دادن «تیرگی» به «رای»: حس آمیزی ❖ نسبت دادن «در تیره رایی ماندن» به «خرد»: استعاره (تشخیص) ❖ در تیره رایی ماندن خرد: متناقض نما ❖ خرد: «مماز از» انسان ❖ در تیره رایی ماندن: کنایه از «گمراهی» ❖ اشاره به مفهوم آیه «يُخْرِجُوهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (آنها را از ظلمت ها به سوی نور هدایت می کند.) (بقره / ۲۵۷): تلمیح **قلمرو فکری** اگر خدا به خرد بصیرت و روشنایی ندهد، برای همیشه در گمراهی خواهد ماند. (مفهوم: عجز و تیرگی خرد انسان بدون بصیرت الهی)

کمال عقل آن باشد در این راه

که گوید نیمتم از بچ آگاه

قلمرو زبانی کمال: کامل شدن، تمام شدن □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول و سوم: نهاد + مسند + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + فعل) ❖ شیوه بلاغی: در جمله اول، تقدم فعل بر متمم؛ در جمله سوم، تقدم فعل بر متمم و مسند ❖ کمال عقل: ترکیب اضافی / این راه: ترکیب وصفی **قلمرو ادبی** اشاره به سخن مشهور «لأدري: من هیچ نمی دانم»: تلمیح ❖ راه: «استعاره از» معرفت و خداشناسی ❖ کامل بودن عقل در آگاه نبودن آن: متناقض نما **قلمرو فکری** در راه شناخت خدا و حقیقت هستی، بالاترین حد عقل آن است که انسان به نادانی خود اعتراف کند. (مفهوم: عجز عقل از شناخت حقیقت)

۱. نام دیگر آرایه تکرار، «واژه آرایه» است.

۲. الگوی این جمله به صورت «نهاد + متمم + مفعول + فعل» نیز درست است. در این صورت «را» به معنای «به» می باشد.

نیکی



تاریخ ادبیات

بوستان: سعدی

قالب: مثنوی

فروماند در لطف و صنّ خدای

یکی روی دید بی دست و پای

قلمرو زبانی فروماندن: متحیر شدن / لطف: مهربانی، عنایت / صنّ: آفریدن، آفرینش، کار، کردار □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل) ❖ روبه: مفعول / شیوه بلاغی در مصراع اول: تقدّم فعل بر صفت / شیوه بلاغی: در مصراع دوم، تقدّم فعل بر متمّم ❖ روبه‌ی بی دست و پای: ترکیب وصفی / لطف و صنّ خدای: ترکیب اضافی (صنّ: معطوف)
قلمرو ادبی تکرار مصوّت «ی» در مصراع اول: واج آرایی ❖ دست، پای: مراعات نظیر ❖ اشاره به آیه «انّ الله لطیف بعباده» (همانا خداوند با بندگانش لطیف و مهربان است). (شوری / ۱۹): تلمیح ❖ بی دست و پای □ ناتوان و فلج / فروماندن □ تعجب کردن
قلمرو فکری شخصی روباه فلج و ناتوانی دید و از لطف و آفرینش خدا شگفت زده شد. (مفهوم: فراگیر بودن لطف خدا در آفرینش)

بدین دست و پای از کجا می خورد؟

که چون زندگانی به سر می برد؟

قلمرو زبانی چون: چگونه □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله‌ها: نهاد + مفعول + فعل) ❖ زندگانی: مفعول ❖ این دست و پای: ترکیب وصفی (پای: معطوف)
قلمرو ادبی دست، پای: مراعات نظیر ❖ به سر بردن □ گذراندن ❖ دست و پای □ مجازاً از □ بی دست و پای (ناتوانی)
قلمرو فکری که این روباه چگونه زندگی خود را می‌گذراند و با این ناتوانی و بی دست و پای از کجا غذا می‌خورد؟! (مفهوم: شگفت زدی / عجز انسان از درک اسرار آفرینش)

که شیر می برآمد شغالی به چنگ

در این بود درویش شوریده رنگ

قلمرو زبانی شغال: جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشتخواران است. / شوریده رنگ: آشفته حال □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مسند + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل) ❖ در این [در این فکر]: مسند ❖ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر نهاد / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر قید
قلمرو ادبی تکرار صامت «ش» در کل بیت: واج آرایی ❖ رنگ داشتن شوریدگی: حس آمیزی ❖ رنگ □ مجازاً از □ حال ❖ چنگ، جناس ناهمسان ❖ شوریدگی رنگ □ آشفستگی
قلمرو فکری درویش آشفته حال در این فکر بود که شیر با شغالی در چنگالش، آمد. (مفهوم: حیرت درویش / صلابت شیر)

بماند آنچه روباه از آن سیر خورد

شغال نگون بخت را شیر خورد

قلمرو زبانی نگون بخت: بدبخت □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله‌های اول و سوم: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل) ❖ شغال: مفعول / شیوه بلاغی در جمله اول: جابه‌جایی نهاد و مفعول / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر نهاد ❖ شغال نگون بخت: ترکیب وصفی
قلمرو ادبی شغال، شیر، روباه: مراعات نظیر ❖ شیر، سیر: جناس ناهمسان ❖ خورد: تکرار ❖ نسبت دادن نگون بختی به شغال: استعاره (تشخیص) / نگون بختی □ بیچارگی و بدبختی
قلمرو فکری شغال بدبخت را شیر خورد و آنچه باقی ماند، روباه از آن غذای کاملی خورد و سیر شد. (مفهوم: شیر و واسطه روزی‌رسانی)

۱. گاهی در سوالات کنکور یک جزء از واژه مرکب با یک واژه ساده «جناس» گرفته شده است.

دگر روز باز اتفاق افتاد / که روزی رسان قوت روزش بداد

قلمرو زبانی قوت: رزق روزانه، خوراک، غذا □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + متمم + فعل) قوت: مفعول ❖ دگر روز: ترکیب وصفی / قوت روزش: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی: تکرار صامت «ر» و مصوّت «و»: واج آرایبی ❖ روز، روزی: جناس ناهمسان ❖ روز، روزی رسان، قوت: مراعات نظیر ❖ اشاره به آیه «ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب» (آل عمران / ۳۷): تلمیح ❖ روزی رسان ❖ کتابه از خدا

قلمرو فکری: روز دیگر دوباره چنین اتفاقی افتاد و خداوند روزی رسان غذای روزانه روپاه را به او داد. (مفهوم: روزی رسان بودن خدا / دائمی بودن روزی)

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد

قلمرو زبانی یقین: بدون شک، بی گمان، هر چیز ثابت و واضح و دانسته شده / شد: رفت □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + مسند + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مفعول + فعل) ❖ نهاد جمله دوم و سوم به قرینه لفظی حذف شده است. / دیده، تکیه: مفعول / بیننده: مسند ❖ نوع «را»: فک اضافه ← مرد را دیده = دیده مرد

قلمرو ادبی: دیده، بیننده: هم‌ریشگی (اشتقاق) ❖ دیده، بیننده: مراعات نظیر ❖ تکرار صامت «ن»: واج آرایبی ❖ تکیه کردن ❖ کتابه از توکل / بیننده ❖ کتابه از آگاه

قلمرو فکری: یقین درویش به روزی رسانی خدا، چشم او را بینا کرد و به او بصیرتی داد که بر این اساس رفت و به آفریدگار توکل کرد^۲. (مفهوم: بصیرت یافتن از مشاهدات و توکل برخدا)

کزین پس به کنجی نشینم چو مور / که روزی نخورند پیلان به زور

قلمرو زبانی کنج: گوشه / پیل: فیل □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + فعل) ❖ روزی: مفعول ❖ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر متمم / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر نهاد و متمم

قلمرو ادبی: تکرار صامت «ر»: واج آرایبی ❖ مانند کردن گوینده (درویش) به مور: تشبیه ❖ مصراع دوم تمثیلی برای مصراع اول ❖ مور، زور: جناس ناهمسان ❖ مور، پیل: تضاد ❖ مور ❖ نماد / ناتوانی / پیل ❖ نماد / قدرتمندی

قلمرو فکری: که از این پس مانند موری به گوشه‌ای می‌نشینم و منتظر روزی می‌مانم چون فیلان قوی‌هیکل به زور بازو روزی نمی‌خورند و روزی آنها می‌رسد. (مفهوم: عزم و تصمیم به گوشه‌نشینی و توکل)

زَنخْدان فرورد خندی به جیب / که بخشده، روزی فرستد ز غیب

قلمرو زبانی زَنخْدان: چانه / جیب: گریبان، یقه / بخشنده: روزی‌دهنده، خداوند / غیب: پنهان، نهان از چشم؛ عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارند. □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + متمم + فعل) ❖ نهاد جمله اول به قرینه لفظی حذف شده است. / زَنخْدان، روزی: مفعول / جیب: متمم / متمم جمله دوم به قرینه معنوی حذف شده است. (چیزی را برای کسی فرستادن) ❖ شیوه بلاغی: تقدّم فعل بر قید و متمم

قلمرو ادبی: تکرار صامت «ب»: واج آرایبی ❖ جیب، غیب: جناس ناهمسان ❖ زَنخْدان به جیب فروردن ❖ کتابه از گوشه‌نشینی، انتظار و تفکر / بخشنده ❖ کتابه از خداوند

قلمرو فکری: مدتی گوشه‌نشینی کرد، به انتظار این که خداوند روزی بخش از عالم غیب به او روزی بدهد. (مفهوم: گوشه‌نشینی و انتظار روزی داشتن)

۱. واژه دگر (دیگر) صفت مبهم پسین است که گاهی پیش از هسته قرار می‌گیرد. (ترکیب مقلوب)
 ۲. برخی همکاران «یقین» را قید می‌دانند و «دیده» را به معنای «مشاهده شده» در نقش «نهاد» می‌پندارند. ← (بی‌تردید آنچه مرد مشاهده کرد، او را آگاه کرد و بر این اساس، رفت و به خدا توکل کرد.)

نه بیگانه تیار خوردش نه دوست

چو چنگش، رگ واستخوان ماند و پوست

قلمرو زبانی تیمار: غم؛ تیمار خوردن: غمخواری / چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول و دوم: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + فعل) * تیمار: مفعول / چنگ و ضمیر «ش» در «چنگش»: متمم * تیمارش: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی بیگانه، دوست: تضاد * رگ، استخوان، پوست: مراعات نظیر * پوست، جناس ناهمسان * چنگ (۱. نام سازی ۲. دست به تناسب رگ): ایهام تناسب * مانند کردن درویش به ساز چنگ: تشبیه * مصراع اول «تنبهایی / مصراع دوم «تنبهایی» ضعف و لاغری شدید * تکرار صامت «ن»: واج آرایبی

قلمرو فکری هیچ کس از آشنا و بیگانه، غمخوارش نشدند و مانند ساز چنگ، از لاغری فقط رگ و استخوان و پوستی برایش ماند. (مفهوم: تنهایی و ضعف و لاغری)

چو صبرش ماند از ضعیفی و هوش

ز دیوار محرابش آمد به گوش:

قلمرو زبانی هوش: آگاهی / محراب: قبله، جای امام جماعت در مسجد * بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله ها: نهاد + فعل) * صبرش، دیوار محراب، گوشش: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی تکرار صامت «ش»: واج آرایبی * هوش و گوش: جناس ناهمسان * به گوش آمدن «تنبهایی» شنیدن * هوش «مجاز از» هوشیاری **قلمرو فکری** وقتی که از ضعیفی، صبر و هوشش تمام شد، از دیوار قبله صدایی (ندایی غیبی) به گوشش رسید. (مفهوم: ضعف و بی هوشی)

برو شیر درنده باش، ای دغل

یئنداز خود را چو روباه شل

قلمرو زبانی دغل: ناراست، حيله گر / شل: دست و پای از کار افتاده * بیت چهار جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مسند + فعل / جمله سوم: شبه جمله (منادا) / الگوی جمله چهارم: نهاد + مفعول + فعل) * نهاد جمله اول، دوم و چهارم به قرینه لفظی حذف شده است. * شیر درنده: مسند / خود: مفعول / دغل: منادا / روباه: متمم * شیر درنده، روباه شل: ترکیب وصفی **قلمرو ادبی** تکرار صامت «ر»: واج آرایبی * شیر، درنده، روباه: مراعات نظیر * مانند کردن درویش به شیر و روباه: تشبیه **قلمرو فکری** ای حيله گر، برو مانند شیر درنده در کسب روزی قوی باش و خودت را مانند روباه فلج، گوشه نشین و محتاج نکن. (مفهوم: دعوت به تلاش و قدرتمندی و ترک ضعف و گوشه نشینی)

چنان سعی کن که تو ماند چو شیر

چه باشی چو روبه بر دامانده، سیر؟

قلمرو زبانی وامانده: باقی مانده، بقیه غذا * بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مسند + فعل) * سعی: مفعول / سیر: مسند * شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر متمم / شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر متمم و مسند

قلمرو ادبی تکرار صامت «چ»: واج آرایبی * شیر و سیر: جناس ناهمسان * مانند کردن (درویش) به شیر و روباه: تشبیه * شیر «نماد» انسان های قوی و مٹکی به خود و نیکوکار / روباه «نماد» انسان های ضعیف و وابسته و محتاج به دیگران **قلمرو فکری** آن چنان تلاش کن که مانند شیر از تو برای دیگران چیزی بماند نه اینکه مانند روباه از باقی مانده غذای دیگران سیر شوی. (مفهوم: دعوت به قدرتمندی و بی نیازی / پرهیز از ضعف و نیازمندی)

بخور تا توانی به بازوی خویش

که سعیت بود در ترازوی خویش

قلمرو زبانی سعی: کوشیدن، تلاش * بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مسند + فعل) * در ترازو: مسند (متمم به جای مسند) * شیوه بلاغی در جمله دوم: تقدّم فعل بر متمم / شیوه بلاغی در جمله سوم: تقدّم فعل بر مسند * بازوی خویش، سعیت، ترازوی خویش: ترکیب اضافی

۱. گاهی مسند به صورت متمم می آید؛ مانند: «آواز دوستان ما است.»

قلمرو ادبی: خویش: تکرار ❖ اشاره به مفهوم آیه «لیس لیلانسانِ آلا ما سعی» (برای انسان جز حاصل تلاش او نیست). (التَّجْم/۵۳): تلمیح ❖ بازو-مماز از- کاروتلاش / سعی-مماز از- نتیجه کاروتلاش ❖ خوردن-کتابه از- تلاش برای کسب روزی / درترازوبودن-کتابه از- عایدشدن وبه دست آمدن **قلمرو فکری:** تاجایی که می توانی با تلاش و کوشش خود روزی کسب کن برای این که تنها نتیجه تلاش توست که به دست می رسد. (مفهوم: دعوت به تلاش و خودکفایی)

بکیرای جوان دست درویش پیر / نه خود را بیگن که دستم بگیر

قلمرو زبانی: درویش: سائل، گدا، خواهنده از درها □ بیت چهار جمله دارد. (الگوی جمله اول و سوم و چهارم: نهاد + مفعول + فعل / جمله دوم: شبه جمله (منادا)) ❖ دست، خود: مفعول / جوان: منادا ❖ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر مفعول ❖ دست درویش پیر: ترکیب اضافی و وصفی / دستم: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی: پیر، جوان: تضاد ❖ دست گرفتن-کتابه از- یاری کردن / خود را افکندن-کتابه از- خود را به ناتوانی زدن **قلمرو فکری:** ای جوان، درویش و نیازمند را یاری کن و خودت را به ناتوانی نزن که از دیگران یاری و کمک بخواهی. (مفهوم: دعوت به یاری ضعیفان و دوری از ناتوانی و ابراز احتیاج)

خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است

قلمرو زبانی: بخشایش: آمرزش، گذشتن از جرم و گناه، عفو / خلق: مردم، مخلوقات □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله ها: نهاد + مسند + فعل) بخشایش: نهاد / بر آن بنده، در آسایش: مسند ❖ بنده، بخشایش، آسایش: وندی ❖ خدا را... بخشایش (بخشایش خدا): ترکیب اضافی (نوع «را»: فک اضافه) / آن بنده: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی: تکرار صامت های «ب، ش»: واج آرابی ❖ خدا، بنده، خلق: مراعات نظیر ❖ وجود-مماز از- اعمال و رفتار و خدمت ها **قلمرو فکری:** بخشایش و گذشت خدا برای بنده ای است که خلق خدا از اعمال و رفتار (خدمات) او در آسایش باشند. (مفهوم: بخشایش خدا در گرو خدمت به خلق / دعوت به نیکی بر خلق)

کرم و زردان سر که مغزی در اوست / که دون همتا بی مغز پوست

قلمرو زبانی: دون همتا: کوتاه همتا، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه / کرم: بخشندگی، جوانمردی □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مسند + فعل) ❖ کرم: مفعول / بی مغز و پوست: مسند ❖ شیوه بلاغی در جمله اول: تقدّم فعل بر نهاد / شیوه بلاغی در جمله سوم: تقدّم فعل بر مسند

قلمرو ادبی: تکرار صامت «ر» در مصراع اول: واج آرابی ❖ مغز، پوست: تضاد ❖ مغز: تکرار ❖ اوست، پوست: جناس ناهمسان ❖ سر-مماز از- انسان / مغز-مماز از- عقل و خرد ❖ بودن مغز در سر کسی-کتابه از- خردمندی / بی مغز و پوست بودن-کتابه از- بی خردی **قلمرو فکری:** انسان خردمند بخشندگی می کند برای اینکه انسان های پست همت و فرومایه [که بخشنده نیستند] بی خردند. (مفهوم: بخشندگی نشانه خردمندی / دعوت به بخشندگی)

کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای

قلمرو زبانی: سرا: خانه، منزلگاه □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + متمم + فعل) / نیک، نیکی: مفعول ❖ شیوه بلاغی در هر دو جمله: تقدّم فعل بر متمم ❖ هر دو سرای: ترکیب وصفی / خلق خدای: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی: نیک، نیکی: جناس ناهمسان ❖ تکرار صامت های «ک، ن»: واج آرابی ❖ اشاره به آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» (اگر نیکی کردید، بی تردید به خودتان نیکی کردید). (اسراء / ۷): تلمیح ❖ دو سرای-استعاره از- دنیا و آخرت

قلمرو فکری: کسی در دو جهان (دنیا و آخرت) نیکی می بیند که به خلق خدا نیکی برساند. (مفهوم: نیکی دیدن در دو جهان، نتیجه نیکی به خلق)

دانش‌های زبانی و ادبی

دانش‌های زبانی

روش تعیین معنای دقیق واژگان:

۱) کاربرد واژه در جمله

به دو جمله زیر توجه کنید:
لباس به دوستم می‌آمد. دوستم هر روز پیش من می‌آمد.
معنای «آمدن» در جمله اول «برازنده بودن» و در جمله دوم «حرکت کردن» است. معنای دقیق «آمدن» هنگام قرار گرفتن در جمله مشخص می‌شود. همچنین در دو جمله زیر:

۱- ماه یکی از کرات آسمان است. «ماه»: نام یکی از کرات آسمان. ۲- ماه سی روز است. ماه: بُرج؛ مدت زمانی معادل سی روز.
معنای دقیق «ماه» نیز با قرار گرفتن در جمله مشخص شده است. پس: با به کار بردن واژه در یک جمله می‌توان معنای دقیق آن را مشخص کرد.

۲) روابط معنایی در گروه واژه

هم نشینی واژگان به صورت گروه‌های اسمی و عطفی (همراه با «و» عطف) گروه واژه را به وجود می‌آورد. این هم نشینی باعث ایجاد روابطی بین واژگان می‌شود که می‌توان براساس آن معنای دقیق واژگان را تعیین کرد. این روابط شامل موارد زیر می‌شود:

تضمن: رابطه مجموعه و زیر مجموعه؛ مانند: ورزش و فوتبال؛ فوتبال زیرمجموعه ورزش است.

تضاد: رابطه متقابل و متضاد بین واژگان؛ مانند: حبّ و بغض

ترادف: رابطه هم معنی بودن بین واژگان؛ مانند: رأفت و عطوفت

تناسب: رابطه یاد آوری و تداعی بین واژگان؛ مانند: سرخ و زرد

برای تعیین معنای دقیق واژه می‌توان آن را در گروه واژگان به صورت گروه‌های اسمی یا عطفی با روابط فوق قرار داد.

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

(صائب)

فرضی به رسم تجربه از دوستان طلب

(مولوی)

ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب

(اوحدی)

گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار

۱- معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

◆ معیار دوستان دغل روز حاجت است

◆ صورت بی‌صورت بی حدّ غیب

◆ فخری که از وسبیلت دون همّتی رسد

۲- برای کاربرد هر یک از موارد زیر، نمونه‌ای در متن درس بیابید.

◆ پیوندهای هم‌پایه‌ساز:

◆ پیوندهای وابسته‌ساز:

۳- معانی فعل «شد» را در سروده زیر بررسی کنید.

◆ گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت

◆ منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

قطره باران ما گوهر یکدانه شد

دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد

(حافظ)

۴- معنای برخی واژه‌ها تنها در جمله یا زنجیره سخن قابل درک است.

با استفاده از شیوه‌های زیر، به معنای هر یک از واژه‌های مشخص شده، دقیق‌تر می‌توان پی برد:

الف) قرار گرفتن واژه در جمله:

◆ ماه، طولانی بود.

◆ ماه، تابناک بود.

ب) توجه به رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تضمّن و تناسب)

◆ سیر و بیزار ← ترادف ◆ سیر و گرسنه ← تضاد

◆ سیر و پیاز ← تناسب ◆ سیر و گیاه ← تضمّن

◆ اکنون برای دریافت معانی واژه‌های «دست» و «تند» با استفاده از دو روش بالا، نمونه‌های مناسب بنویسید.

◆◆◆ قلمرو ادبی

۱- از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

۲- در بیت زیر، شاعر، چگونه آرایه جناس همسان (نام) را پدید آورده است؟

(عدی)

◆ با زمانی دیگر انداز، ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش برچنگ است و دل درچنگ نیست

۳- ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت دوازدهم مشخص کنید.

۴- در این سروده، «شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

◆◆◆ قلمرو فکری

۱- معنی و مفهوم بیت شانزدهم را به نثر روان بنویسید.

۲- درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.

◆ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

۳- برای مفهوم هر یک از سروده‌های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.

(عدی)

◆ رزق هر چند بی‌گمان برسد شرط عقل است جستن از درها

◆ سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته جانی

(فریدون هخیری)

◆ به گوش ارغوان آهسته گفتم: بهارت خوش که فکر دیگرانی

(پروین اعتصامی)

◆ چه در کار و چه در کار آزمودن نباید جز به خود، محتاج بودن

۴- درباره ارتباط معنایی متن درس و مثل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.

۵-

◆◆◆ پاسخ کارگاه متن‌پژوهی

◆◆◆ قلمرو زبانی

۱- دغل: فریبکار / جیب: گریبان، یقه / دون‌همتی: فرومایگی، پستی

۲- پیوندهای هم‌پایه‌ساز: یقین مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

◆ پیوندهای وابسته‌ساز: بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

۳- واژه «شد» در بیت اول فعل اسنادی و در بیت دوم به معنی «رفت» است.

۴- الف) روش اول: دست: دست یکی از اعضای مهم بدن است. / شش عدد لیوان را یک دست می‌گویند. / او دیوار را دو دست رنگ زد. / او در این کار، دست و پا ندارد.

تند: این پیاز خیلی تند بود. / پدرم تند غذا می‌خورد. / رئیس، رفتار تند و قاطعی با کارمندش داشت. / رهرو واقعی گاهی تند و گاهی آهسته نمی‌رود بلکه همیشه می‌رود.

ب) روش دوم: دست و پا ← تناسب / دست و بدن ← تضمّن / تند و آهسته ← تضاد / تند و سریع ← ترادف

◆◆◆ قلمرو ادبی

۱- زنخدان به جیب فروبردن کنایه از گوشه‌نشینی، انتظار و تفکّر

تکیه کردن کنایه از توکل

۲- واژه «چنگ» با یک تلفظ دو معنا دارد که در بیت، بار اول به معنای «نوعی ساز زهی» و بار دوم به معنای «دست» به کار رفته است و جناس همسان (تام) را به وجود آورده است.

۳- چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

مشبه: مخاطب (درویش) / مشبه‌به: شیر، روباه / وجه شبه: بلندی همّت در باقی گذاشتن غذا (شیر)، سیر شدن از باقی مانده غذای شیر (روباه)؛ ادات تشبیه: چو

۴- شیر نماد انسان‌های کوشا که علاوه بر خود بر دیگران هم احسان می‌کنند.

روباه نماد انسان‌هایی که خود را محتاج دیگران می‌دانند و برای کسب روزی، تلاش نمی‌کنند و خیری بر دیگران هم نمی‌رسانند.

♦♦♦ قلمرو فکری ♦♦♦

۱- انسان خردمند بخشندگی می‌کند برای اینکه انسان‌های پست همّت و فرومایه [که بخشنده نیستند] بی‌خرندند. (مفهوم: بخشندگی نشانه خردمندی است.)

۲- اطمینان از روزی رسان بودن خدا موجب آگاهی و توکل بر خداست.

۳- آ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلقِ خدای

پ) بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

۴- مفهوم مشترک ضرب‌المثل و متن در تأکید بر سعی و تلاش و کسب روزی و نکوهش توکل بدون سعی است.

توضیح موضوع: متن درس بیان مفهوم واقعی توکل به خداست. توکل واقعی آن است که انسان همراه با کار و تلاش، رزق و روزی را فقط از خدا بخواهد برای اینکه خدا امکان کسب و کار را در اختیار او قرار داده است. زمانی خداوند بدون تلاش، روزی می‌دهد که انسان امکانی برای سعی و تلاش نداشته باشد.

پایان حکایت دعوت به سعی و تلاش و احسان بر نیازمندان است و خداوند به شرط تلاش به روزی انسان برکت می‌دهد.

۵-

گنج حکمت: همّت



تاریخ ادبیات

♦♦♦ بهارستان: جامی

موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟»

مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همّت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»

قلمرو زبانی: گران: سنگین / همّت: اراده، عزم / حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی □ متن دارای یازده جمله است. ❖ فعل کمکی «بود»

پس از «کمر بسته» و «برداشته» حذف شده است. ❖ نهاد جمله‌های بند اول به قرینه لفظی حذف شده است. / فعل جمله پایانی به قرینه

لفظی حذف شده است. ❖ نیروی همّت، بازوی حمیت، قوت تن: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی: کمر بستن □ آماده شدن به کاری ❖ نیروی همّت، بازوی حمیت: اضافه استعاری / به طور کلی نسبت دادن ویژگی‌های

انسانی به مور: استعاره (تشخیص)

قلمرو فکری: مورچه‌ای را دیدند که آماده قدرت‌نمایی شده، ملخی را که ده برابر، بزرگ‌تر از خود بود، برداشته بود. با تعجب گفتند، این مورچه را ببینید

که بار به این سنگینی را چگونه می‌برد؟!

مورچه وقتی این سخن را شنید، خندید و گفت: «مردان بزرگ بار را با قدرت اراده، همّت مردانگی و غیرت خود می‌برند نه با قدرت بدنی.» (مفهوم:

بلندی همّت و مردانگی)

۱. برخی همکاران این نوع اضافه را «اقترانی» دانسته‌اند.

واژگان جدید درس: ستایش (لطف خدا)، نیکی، همت

ادبار: بدبختی، سیه‌روزی؛ متضاداً اقبال اقبال: خوشبختی، سعادت توفیق: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن تیره‌رایی: بداندیشی، گمراهی چاشنی: مزه، طعم حلاوت: شیرینی نژند: خوار و زبون، اندوهگین	جیب: گریبان، یقه چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی دَعْل: ناراست، حيله‌گر دُون هَمّت: کوتاه همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه زَنخْدان: چانه شُغال: جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشتخواران است. شَل: دست و پای از کار افتاده شوریده‌رنگ: آشفته‌حال غیب: پنهان، نهان از چشم؛ عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارند. فروماندن: متحیر شدن قوت: رزق روزانه، خوراک، غذا
--	---

واژگان مهم املائی

ستایش (لطف خدا)	لطف خدا - حلاوت‌سنج معنی - احسان و نیکویی - وضع عالم امکان - قرین و همراه - اقبال و شانس - توفیق و همراهی - تیره‌رایی و بدبختی - اثر وحشی بافقی - تعلیمی و آموزشی
نیکی	لطف و صنع - اتفاق و حادثه - قوت و روزی - محراب و قبله‌گاه - دغل و ناراستی - بیفکن و بگیر - دون‌همت و پست - معیار و سنجش - حاجت و نیاز - قرض و دین - وسیلت و سبب - عار و ننگ - ضایع و باطل - تضمّن و رابطه معنایی - ارغوانی و زیبا - مَثَل و تمثیل
همت	تعجب و شگفتی - نیروی همت و اراده - حمیت و غیرت - قوت و قدرت تن - بهارستان جامی



پرسش‌های چهار گزینه‌ای

قلمرو زبانی

- ۱- معنی چند واژه داخل کمانک‌ها نادرست است؟
(حلاوت: شیرینی) - (اقبال: سعادت) - (نژند: خشمگین) - (رای: دیدن با دل) - (تیره‌رایی: بداندیشی)
(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
- ۲- معنی واژه‌های «صنع، قوت، یقین، زرخدان» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
(۱) آفرینش - نیرو - هر چیز ثابت - گونه
(۲) بازسازی - خوراک - مطمئن - چانه
(۳) کار - رزق روزانه - اطمینان - چانه
(۴) کردار - غذا - بدون شک - گونه
- ۳- در کدام گزینه معنای همه لغات درست است؟
(۱) جیب: گریبان - (اقبال: خوشبختی)
(۲) چاشنی: ادویه - (حمیت: غیرت)
(۳) غیب: پنهان - (نژند: خار)
(۴) خَلق: خو و رفتار - (دغل: ناراست)
- ۴- با توجه به ابیات زیر، در کدام بیت واژه مشخص شده درست معنی شده است؟
(۱) کسی نیک بیند به هر دو سرای
(۲) بگیر ای جوان، دست درویش پیر
(۳) در این بود درویش شوریده‌رنگ
(۴) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
(۱) کسی نیکو رساند به خلق خدای (سرای: سراینده)
(۲) نه خود را بیفکن که دستم بگیر (درویش: سائل)
(۳) که شیری برآمد، شغالی به چنگ (چنگ: ساز موسیقی)
(۴) شد و تکیه بر آفریننده کرد (یقین: قابل اطمینان)
- ۵- معنی واژه‌های «فرماندن، شوریده‌رنگ، دون‌همّت، توفیق» به ترتیب کدام است؟
(۱) عصبانیت - پریشان - کوتاه‌همّت - سازگار گردانیدن
(۲) ساکن شدن - پریشان - تنبل - موافق شدن
(۳) حیران گشتن - آشفته‌حال - تنبل - موافق شدن
(۴) متحیر شدن - آشفته‌حال - کوتاه‌همّت - سازگار گردانیدن
- ۶- در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟
(۱) به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
(۲) اگر لطفش غریب حال گردد
(۳) به ترتیبی نهاده وضع عالم
(۴) وگرنه توفیق او یک‌سو نهد پای
(۱) حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها
(۲) همه ادبارها اقبال گردد
(۳) که نی یک موی باشد بیش و نی کم
(۴) نه از تدبیر کار آید نه از رای
- ۷- در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟
(۱) یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای
(۲) که چون زندگانی به سرمی‌برد؟
(۳) در این بود درویش شوریده‌رنگ
(۴) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
(۱) یکی روبه‌ی دید بی‌دست‌وپای
(۲) که چون زندگانی به سرمی‌برد؟
(۳) در این بود درویش شوریده‌رنگ
(۴) که روزی‌رسان قوت روزش بداد
- ۸- در کدام گزینه کلمات هم‌خانواده یا هم‌ریشه دیده نمی‌شود؟
(۱) محراب، حربه، محاربه (۲) غیب، غایب، غیبت
(۳) صبر، بصیر، صبور (۴) بیننده، دیدار، بینش

- ۹- در کدام گزینه روابط بین کلمات درست بیان نشده است؟
 (۱) ادبار و اقبال < تضاد (۲) جیب و گریبان < تناسب (۳) زنخدان و چانه < مترادف (۴) شیر و دد < تضمّن
- ۱۰- در کدام گزینه روابط بین کلمات درست بیان نشده است؟
 (۱) شیر و روباه < تناسب (۲) نگون بخت و اقبال < تضاد (۳) تیمار و غمخواری < مترادف (۴) انسان و مخلوق < تضمّن
- ۱۱- در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟
 (۱) زنخدان فرو برد چندی به جیب
 (۲) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
 (۳) برو شیر درنده باش، ای دقل
 (۴) بخور تا توانی به بازوی خیش
- ۱۲- واژه «شد» در کدام ابیات به معنی «رفت» است؟
 الف) چو رستم ز دست وی آزاد شد
 ب) گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت
 ج) منزل حافظ، کنون بارگه پادشاست
 د) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
 (۱) الف، ج (۲) ج، د (۳) ب، ج (۴) الف، ب
- ۱۳- در کدام گزینه واژهٔ مشخص شده درست معنی نشده است؟
 (۱) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
 (۲) کزین پس به گنجی نشینم چو مور
 (۳) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
 (۴) بگیر ای جوان، دست درویش پیر
 شد و تکیه بر آفریننده کرد (مشاهده شده)
 که روزی نخوردند پیلان به زور (گوشه‌ای)
 چه باشی چو روبه به وامانده سیر (درمانده)
 نه خود را بیفکن که دستم بگیر (گدا)
- ۱۴- با توجه به بیت «به نام چاشنی بخش زبانها / حلاوت سنج معنی در بیانها» کدام گزینه درست است؟
 (۱) بیت سه جمله دارد.
 (۲) در بیت سه فعل حذف شده وجود دارد.
 (۳) واژهٔ «زبان» مضاف‌الیه است.
 (۴) «حلاوت سنج معنی» ترکیب وصفی است.
- ۱۵- در بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» نقش ضمیرها به ترتیب در کدام گزینه درست است؟
 (۱) نهاد - مفعول - نهاد - مفعول (۲) مسند - نهاد - مفعول - مسند (۳) نهاد - مضاف‌الیه - نهاد - مضاف‌الیه (۴) نهاد - مفعول - نهاد - مفعول
- ۱۶- در بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب در کدام گزینه درست است؟
 (۱) نهاد - مفعول - صفت - مسند (۲) نهاد - مسند - صفت - نهاد (۳) مسند - نهاد - مسند - نهاد (۴) مسند - مفعول - مفعول - مسند
- ۱۷- با توجه به بیت «در نایستهٔ احسان گشاده‌ست / به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست» کدام گزینه درست است؟
 (۱) نهاد جملهٔ اول و سوم به قرینه حذف شده است.
 (۲) «نایسته» هستهٔ اولین گروه اسمی است.
 (۳) واژه‌های «نایسته و کس» متمم هستند.
 (۴) بیت دارای دو جمله است.
- ۱۸- در کدام گزینه هستهٔ گروه اسمی درست مشخص شده است؟
 (۱) در نایستهٔ احسان گشاده‌ست
 (۲) به ترتیبی نهاده وضع عالم
 (۳) وگر توفیق او یک سو نهاد پای
 (۴) کمال عقل آن باشد در این راه
 به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست
 که نی یک موی باشد بیش و نی کم
 نه از تدبیر کار آید نه از رای
 که گوید نیستم از هیچ آگاه
- ۱۹- در کدام گزینه نقش واژهٔ مشخص شدهٔ میان کمانک صحیح نیست؟
 (۱) اگر لطفش قرین حال گردد
 (۲) وگر توفیق او یک سو نهاد پای
 (۳) خرد را گر نبخشد روشنایی
 (۴) کمال عقل آن باشد در این راه
 همه ادبارها اقبال گردد (قرین حال = مسند)
 نه از تدبیر کار آید نه از رای (پای = مفعول)
 بماند تا ابد در تیره‌رایی (خرد = مفعول)
 که گوید نیستم از هیچ آگاه (آگاه = مسند)

۲۰- در کدام گزینه واژه مشخص شده نقش متفاوتی دارد؟

- ۱) اگر لطفش قرین حال گردد
- ۲) وگر توفیق او یکسو نهد پای
- ۳) خرد را گر نبخشد روشنائی
- ۴) کمال عقل آن باشد در این راه

۲۱- در کدام گزینه فعل و نهاد به «قرینه لفظی» حذف شده است؟

- ۱) یکی روبه‌پی دید بی‌دست‌وپای
- ۲) وگر توفیق او یکسو نهد پای
- ۳) خرد را گر نبخشد روشنائی
- ۴) کمال عقل آن باشد در این راه

۲۲- در کدام گزینه «شیوه بلاغی» وجود ندارد؟

- ۱) کمال عقل آن باشد در این راه
- ۲) شغال نگون‌بخت را شیر خورد
- ۳) یکی روبه‌پی دید بی‌دست‌وپای
- ۴) که چون زندگانی به سر می‌برد

۲۳- در کدام گزینه یکی از واژه‌های مشخص شده، هسته گروه اسمی نیست؟

- ۱) یکی روبه‌پی دید بی‌دست‌وپای
- ۲) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
- ۳) کمال عقل آن باشد در این راه
- ۴) شغال نگون‌بخت را شیر خورد

۲۴- در کدام یک از موارد زیر موصوف نقش مفعول دارد؟

- الف) یکی روبه‌پی دید بی‌دست‌وپای
 - ب) نباشد هیچ بیگانه ستمگر
 - ج) کمال عقل آن باشد در این راه
 - د) شغال نگون‌بخت را شیر خورد
- ۱) الف، د ۲) الف، ب ۳) د، ج ۴) ج، ب

۲۵- با توجه به بیت «در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ» کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) «شغالی به چنگ» نقش قیدی دارد.
- ۲) شوریده‌رنگ نقش صفت دارد.
- ۳) بیت به شیوه بلاغی سروده نشده است.
- ۴) «این» ضمیر اشاره است.

۲۶- در کدام بیت «نهاد» درست مشخص شده است؟

- ۱) شغال نگون‌بخت را شیر خورد
- ۲) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
- ۳) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- ۴) در این بود درویش شوریده‌رنگ

۲۷- در کدام بیت واژه‌های در نقش مسند به کار رفته است؟

- ۱) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- ۲) کزین پس به گنجی نشینم چو مور
- ۳) زنخدان فرو برد چندی به جیب
- ۴) کسی نیک بیند به هر دو سرای

۲۸- در کدام گزینه ضمیر پیوسته در جایگاه اصلی خود قرار نگرفته است؟

- ۱) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
 ۲) بخور تا توانی به بازوی خویش
 ۳) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
 ۴) خدا را بر آن بنده بخشایش است
- ز دیوار محرابش آمد به گوش
 که سعیت بود در ترازوی خویش
 که روزی رسان قوت روزش بداد
 که خلق از وجودش در آسایش است

۲۹- با توجه به بیت «خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است» کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) «آن» ضمیر اشاره ۲) «ش» در آسایش مضاف‌الیه ۳) «خدا» مضاف‌الیه بخشایش است. ۴) «خدا» نهاد است.

۳۰- در کدام گزینه نوع «را» با بقیه متفاوت است؟

- ۱) خدا را بر آن بنده بخشایش است
 ۲) بگیر ای جوان، دست درویش پیر
 ۳) برو شیر دژنده باش ای دغل
 ۴) شغال نگون بخت را شیر خورد
- که خلق از وجودش در آسایش است
 نه خود را بیفکن که دستم بگیر
 مینداز خود را چو روباه شل
 بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

قلمرو ادبی

۳۱- در بیت «به نام چاشنی بخش زبانها / حلاوت سنج معنی در بیانها» کدام آرایه وجود ندارد؟

- ۱) حس آمیزی ۲) تلمیح ۳) استعاره ۴) جناس

۳۲- در بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» کدام آرایه‌ها وجود دارد؟

- ۱) مراعات نظیر - تضاد - کنایه - مجاز
 ۲) کنایه - استعاره - ایهام - تلمیح
 ۳) تناسب - تضاد - تشخیص - مجاز
 ۴) ایهام تناسب - تشخیص - حسن تعلیل - مراعات نظیر

۳۳- در کدام گزینه «اضافه استعاری» وجود دارد؟

- ۱) بلند آن سر، که او خواهد بلندش
 ۲) وگر توفیق او یک سو نهد پای
 ۳) در ناپسته احسان گشاده‌ست
 ۴) به ترتیبی نهاده وضع عالم
- نژند آن دل، که او خواهد نژندش
 نه از تدبیر کار آید نه از رای
 به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست
 که نی یک موی باشد بیش و نی کم

۳۴- در کدام گزینه «جناس ناهمسان» وجود ندارد؟

- ۱) وگر توفیق او یک سو نهد پای
 ۲) شغال نگون بخت را شیر خورد
 ۳) یکی رو بهی دید بی‌دست‌وپای
 ۴) کزین پس به گنجی نشینم چو مور
- نه از تدبیر کار آید نه از رای
 بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد
 فروماند در لطف و صنع خدای
 که روزی نخوردند پیلان به زور

۳۵- آرایه‌های بیت «خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره‌رایی» در کدام گزینه درست نیست؟

- ۱) حس آمیزی - متناقض‌نما - تشخیص - واج‌آرایی
 ۲) استعاره - ایهام - کنایه - تضاد
 ۳) تشخیص - پارادوکس - تضاد - واج‌آرایی
 ۴) حس آمیزی - استعاره - متناقض‌نما - مجاز

۳۶- در کدام گزینه بیش از یک «کنایه» وجود دارد؟

- ۱) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
 ۲) که چون زندگانی به سر می‌برد؟
 ۳) در این بود درویش شوریده‌رنگ
 ۴) برو شیر دژنده باش، ای دغل
- که روزی رسان قوت روزش بداد
 بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
 که شیری برآمد، شغالی به چنگ
 مینداز خود را چو روباه شل

۳۷- در کدام گزینه «مجاز» وجود ندارد؟

- ۱) که چون زندگانی به سر می‌برد؟
- ۲) کرم ورزد آن سرکه مغزی در اوست
- ۳) بگیری ای جوان، دست درویش پیر
- ۴) خدا را بر آن بنده بخشایش است

۳۸- در کدام بیت «مجاز» وجود ندارد؟

- ۱) در این بود درویش شوریده‌رنگ
- ۲) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
- ۳) بخور تا توانی به بازوی خویش
- ۴) شغال نگون‌بخت را شیر خورد

بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
که دونه‌متانند بی مغز و پوست
نه خود را بیفکن که دستم بگیر
که خلق از وجودش در آسایش است

که شیری برآمد، شغالی به چنگ
ز دیوار محرابش آمد به گوش
که سعیت بود در ترازوی خویش
بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

قلمرو فکری

۳۹- مفهوم بیت «به نام چاشنی بخش زبان‌ها / حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها» با کدام گزینه ارتباط معنایی کمتری دارد؟

- ۱) سخن را از حلاوت کرد چون قند
- ۲) چون زبان داده‌ای بیانم بخش
- ۳) لب‌ت مرجان شیرین است و چون با من سخن گوید
- ۴) آه از حلاوت سخن و خلق بی‌تمیز

سرآغاز سخن را داد پیوند
در بیان سخن زبانم بخش
دهد مرجان شیرینت حلاوت جان شیرین را
آتش به خانه‌ که زند انگبین(عسل) ما

۴۰- مفهوم همه‌ایات با بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» قرابت دارد به جز:

- ۱) خداوند بالا و پستی تویی
- ۲) گلستان کند آتشی بر خلیل
- ۳) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی
- ۴) غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد؟

ندانم چه‌ای هر چه هستی تویی
گروهی به آتش برد ز آب نیل
همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی
ساقیا باده بده شادی آن کاین غم از اوست

۴۱- مفهوم بیت «در ناپسته‌ای احسان گشاده‌ست / به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست» با کدام یک از ابیات تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) توحیدگوی او نه بنی‌آدمند و بس
- ۲) از در خوبی و لطف و بنده‌نوازی
- ۳) بحر آفرید و برّ و درختان و آدمی
- ۴) فضل خدای را که تواند شمار کرد؟

هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد
مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا
خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد
یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟

۴۲- کدام گزینه تکرار مفهوم بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم» است؟

- ۱) ز ترتیب نظام آفرینش چون نه‌ای آگه
- ۲) اگر یک ذره را برگیری از جا
- ۳) چیست حکمت در آفرینش خلق
- ۴) در آفرینش عالم چو حکمت است اظهار

حوادث را ز تأثیر نجوم آسمان بینی
خلل یابد همه عالم سراپا
که از آن قاصر است بینش خلق؟
تو نیز ظاهر می‌کن اگر بیان داری

۴۳- بیت کدام گزینه مفهوم متفاوتی دارد؟

- ۱) اگر لطفش قرین حال گردد
- ۲) لطف الهی بکند کار خویش
- ۳) لطف خدا بیشتر از جرم ماست
- ۴) گر هزاران دام باشد هر قدم

همه ادب‌ها اقبال گردد
مژده رحمت برساند سروش
نکته سربسته چه دانسی؟ خموش!
چون تو با مایی نباشد هیچ غم

۴۴- مفهوم بیت «وگر توفیق او یکسو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای» از کدام گزینه برداشت نمی‌شود؟

- ۱) عجز و ناتوانی عقل و تدبیر
- ۲) نبودن توفیق الهی
- ۳) وجود توفیق و حمایت خدا از انسان
- ۴) موفقیت در تدبیر بسته به توفیق خداست

۴۵- مفهوم بیت «خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره‌رایی» در بیت کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

- ۱) در ره تاریک زلفت عقل را
- ۲) مژه‌کش رشته باریک عقل
- ۳) خرد روشنی‌بخش قلب سیاه
- ۴) روشنی‌گیر از اندیشه او چشم خرد

۴۶- بیت «کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستیم از هیچ آگاه» با کدام گزینه متناسب است؟

- ۱) اسرار ازل را نه تو دانی و نه من
- ۲) دل گرچه در این بادیه بسیار شنافت
- ۳) اندر دل من هزار خورشید بتافت
- ۴) تا بدان جا رسید دانش من

۴۷- مفهوم بیت «یکی روپهی دید بی‌دست‌وپای / فروماند در لطف و صنع خدای» به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟

- ۱) ندانستم که لطف و صنع ایزد
- ۲) لبش به نوش بیاکنده لطف صانع صنع
- ۳) خلعت ذات او ز موزونی
- ۴) خلق روح‌افزای او عنوان لطف خالق است

۴۸- کدام بیت پاسخ مناسبی برای پرسش درویش در بیت زیر است؟

- «که چون زندگانی به سر می‌برد؟»
- ۱) هر که نان از عمل خویش خورد
 - ۲) دستکش کس نی‌ام از بهر گنج
 - ۳) بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
 - ۴) بخور تا توانی به بازوی خویش

۴۹- مفهوم بیت «در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ»، مقابل مفهوم بیت کدام گزینه است؟

- ۱) تهمت‌ن به جنگ فرامرز شیر
- ۲) به تنگ اندرش رفت مانند شیر
- ۳) پلنگی چو چنگش نباشد چو شیر
- ۴) دام صیاد گیر شیر افتاد

۵۰- مفهوم بیت «شغال نگون بخت را شیر خورد / بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد» در کدام بیت دیده می‌شود؟

- ۱) بسی خوان نعمت برآاستند
- ۲) بود کلید رزق چون حسن خط نگار من
- ۳) بساط عشرت مهمان بیاراست
- ۴) خوانی است زمین پر ز نعمت

۵۱- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) دگر روز باز اتفاق اوفتاد
- ۲) همه خلق رزق از تو جویند مانا
- ۳) یک روز بُد به رزقِ مَقْدَر امید خلق
- ۴) ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم

۵۲- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
- ۲) کزین پس به گنجی نشینم چو مور
- ۳) زنخدان فرو برد چندی به جیب
- ۴) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

- ۱) شد و تکیه بر آفریننده کرد
- ۲) که روزی نخوردند پیلان به زور
- ۳) که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
- ۴) چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

۵۳- کدام گزینه کامل‌کننده بیت «چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش» نیست؟

- ۱) زنخدان فرو برد چندی به جیب
- ۲) برو شیر دژنده باش، ای دَغَل
- ۳) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
- ۴) بخور تا توانی به بازوی خویش

- ۱) که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
- ۲) مینداز خود را چو روباه شَل
- ۳) چه باشی چو روبه به وامانده سیر
- ۴) که سعیت بود در ترازوی خویش

۵۴- بیت «خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است» با کدام بیت تناسبی ندارد؟

- ۱) سایه خورشیدسواران طلب
- ۲) دردستانی کن و درمان‌دهی
- ۳) کسی نیک بیند به هر دو سرای
- ۴) خداوند بخشنده دستگیر

- ۱) رنج خود و راحت یاران طلب
- ۲) تات رسانند به فرماندهی
- ۳) که نیکی رساند به خلق خدای
- ۴) کریم خطابخش پوزش‌پذیر

۵۵- بیت «گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست» با کدام بیت به موضوع مشترکی اشاره می‌کند؟

- ۱) خورشید دانش و خرد اوست بی‌زوال
- ۲) هست سرشته دل و جان و تنش
- ۳) ای صاحب کرامت شکرانه سلامت
- ۴) در خانه غم بودن از همت دون باشد

- ۱) دریای بخشش و کرم اوست بی‌کنار
- ۲) از کرم و از خرد و از هنر
- ۳) روزی تفقیدی کن درویش بی‌نوا را
- ۴) واندر دل دون همت اسرار تو چون باشد

۵۶- معادل مفهومی واژگان مشخص شده در بیت «گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست» در کدام گزینه، دقیق، آمده است؟

- ۱) ای ز بخشش بخل را چون کوه کرده مغز خشک
- ۲) تعالی‌الله ز بخشش دست و از دانش روان داری
- ۳) چه بحر و چه کان چون تو در بخشش آبی
- ۴) آن که چون پسته دیدمش همه مغز

- ۱) وی ز کوشش خصم را چون ابر کرده دیده تر
- ۲) ز بینش مغز داری و بزرگی استخوان داری
- ۳) تهی کیسه سازد ز مغز استخوان را
- ۴) پوست بر پوست بود همچو پیاز

۵۷- بیت «کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای» با کدام بیت مطابقت مفهومی کاملی دارد؟

- ۱) طمع ز فیض کرامت مبر که خلق کریم
- ۲) گر می‌فروش حاجت رندان روا کند
- ۳) خدا را بر آن بنده بخشایش است
- ۴) توانگرا چو دل و دست کامرانت هست

- ۱) گنه ببخشد و بر عاشقان ببخشد
- ۲) ایزدگنه ببخشد و دفع بلا کند
- ۳) که خلق از وجودش در آسایش است
- ۴) بخور، ببخش که دنیا و آخرت بردی

۵۸- تصویر به کار رفته در بیت «گریه شام و سحر سُکر که ضایع نگشت / قطره باران ما گوهر یکدانه شد» در بیت کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

- ۱) دست تو ابری است پر باران و طبع ما صدف
- ۲) قطره باران شود لؤلؤ و هم لؤلؤ ز شرم
- ۳) در صدف بسیار بارد قطره باران همی
- ۴) همی تا خلق نشناسد شمار قطره باران

- ۱) تو صدف پر در، همی از قطره باران کنی
- ۲) گر به دندانش نمایی قطره باران شود
- ۳) لیکن از صد قطره یک قطره همی گوهر شود
- ۴) فزون از قطره باران به گنج اندر گهر داری

۵۹- کدام گزینه پیام متفاوتی دارد؟

- ۱) منزل حافظ، کنون بارگه پادشاست
- ۲) آمد آورد پیش خیر فراز
- ۳) دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد
- ۴) در راه خدا بسی دویدیم

۶۰- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) ای نصیحت‌گو دمی چنگ از گریبانم بدار
- ۲) با زمانی دیگر انداز، ای که پند می‌دهی
- ۳) اگر فقیه نصیحت کند که عشق مباح
- ۴) حال چوگان چون نمی‌دانی که چیست

۶۱- مفهوم چند بیت با عبارت مقابل آن تناسب ندارد؟

- الف) رزق هرچند بی‌گمان برسد
 - ب) گرچه کس بی‌اجل نخواهد مُرد
 - ج) سحر دیدم درخت ارغوانی
 - د) به گوش ارغوان آهسته گفتم
 - هـ) هرکه نان از عمل خویش خورد
 - و) بخور تا توانی به بازوی خویش
- ۱) دو ۲) سه

۶۲- مفهوم عبارت «موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته، به تعجب گفتند: این مور را ببینید که بار به این گرانی

چون می‌کشد؟» به کدام بیت نزدیک است؟

- ۱) مور ضعیف بار گران چون کشد به جهد
- ۲) ز پای مور تا بال مگس صد بار سنجیدم
- ۳) من تن به خاک می‌کشم و بار می‌برم
- ۴) اگر به دیده موری فروم صد بار

۶۳- عبارت «مور چون این بشنید، بخندید و گفت: مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.» با کدام بیت قرابت معنایی

بیشتری دارد؟

- ۱) همت طلب از باطن پیران سحرخیز
- ۲) بر سر تربت ما چون گذری همت خواه
- ۳) از آستین همت گردون‌نورد خویش
- ۴) همت بلند دار که مردان روزگار

۶۴- سراینده هر یک از ابیات زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- الف) معیار دوستان دغل روز حاجت است
 - ب) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب
 - ج) فخری که از وسیلت دون‌همتتی رسد
 - د) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
- ۱) مولوی، صائب، اوحدی، حافظ
۲) مولوی، صائب، اوحدی، حافظ
۳) صائب، مولوی، حافظ، اوحدی

دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد
گفت گوهر به گوهر آمد باز
یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد
تا باز به حضرتش رسیدیم

کاین زمانم دامن خاطر به چنگ دیگری است
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
پیاله‌ای بده‌اش، گو: دماغ را ترک
ای نصیحت‌گو، به ترک گوی، گوی

- شرط عقل است جستن از درها (توکل و ترک تلاش)
تو مرو در دهان اژدرها (احتیاط شرط عقل است)
کشیده سر به بام خسته‌جانی (خبرچینی)
بهارت خوش که فکر دیگرانی (خدمت به خلق)
منت حاتم طایی نبرد (بلندی همت)
که سعیت بود در ترازوی خویش (امانت‌داری در وزن کردن)
- ۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) یک

من بار عشق دوست به دل همچنان کشم
نشد بی‌اعتباری‌های من سنگ ترازوی
از مور بیش از این چه توان داشت انتظار
معین است که آن مور را خبر نشود

زیرا که یکی را ز دو عالم طلبیدند
که زیارت‌گه زندان جهان خواهد شد
دستی برون کنیم و بجویم مرد خویش
از همت بلند به جایی رسیده‌اند

- فرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار
قطره باران ما گوهر یکدانه شد
- ۱) مولوی، صائب، اوحدی، حافظ
۲) صائب، مولوی، اوحدی، حافظ
۳) صائب، مولوی، حافظ، اوحدی
۴) حافظ، صائب، اوحدی، مولوی

۶۵- نویسنده آثار «بهارستان، بوستان، فرهاد و شیرین» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) سعدی، جامی، وحشی بافقی
- ۲) جامی، وحشی بافقی، سعدی
- ۳) جامی، سعدی، وحشی بافقی
- ۴) سعدی، وحشی بافقی، جامی

پاسخ پرسش‌های چهار گزینه‌ای

۲۵ بیت به شیوه بلاغی (تقدّم فعل بر نهاد و قید) سروده شده است.

۲۶ بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) شغال: مفعول (۲) قوت: مفعول (۴) شغالی به چنگ: قید

۲۷ «بیننده» نقش مسند دارد.

۲۸ ز دیوار محرابش آمد به گوش: ز دیوار محراب آمد به گوشش

۲۹ «را» در مصراع اول فک اضافه است و «خدا» مضاف‌الیه «بخشایش» است.

۳۰ خدا را بخشایش (بخشایش خدا) هسته: بخشایش؛ نوع «را»: فک اضافه / در سایر گزینه‌ها «را» مفعولی است.

۳۱ در بیت جناس وجود ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) نسبت دادن «سنجیدن» به «حلاوت» و نسبت دادن «حلاوت» به «معنی»: حس آمیزی (۲) اشاره به مفهوم «علمه» البیان»، (سوره الرحمان / آیه ۴): تلمیح (۳) چاشنی «استفاده از» سخن زیبا / حلاوت سنج معنی؛ نسبت دادن «حلاوت سنجی» به «معنی». «حلاوت» غیرمستقیم، به «معنی» نسبت داده شده است.

۳۲ در بیت استعاره، ایهام، ایهام تناسب، تشخیص وجود ندارد. بررسی سایر آرایه‌ها: سر، دل: مراعات نظیر / تقابل مفهوم دو مصراع آرایه تضاد دارد. / بلند بودن سر «کنایه از» افتخار / دل «مجاز از» وجود انسان

۳۳ اضافه استعاری (در احسان) «احسان مانند خانه‌ای دارای در است.

۳۴ جناس‌ها عبارت‌اند از: (۱) پای، رای (۲) شیر، سیر (۴) مور، زور

۳۵ در بیت ایهام وجود ندارد. / روشنایی، تیره‌رایی: تضاد / نسبت دادن «تیرگی» به «رای»: حس آمیزی / در تیره‌رایی ماندن «کنایه از» گمراهی / نسبت دادن «در تیره‌رایی ماندن» به «خرد»: استعاره (تشخیص) / در تیره‌رایی ماندن خرد: متناقض نما / خرد «مجاز از» انسان

۳۶ بررسی گزینه‌ها: (۱) روزی‌رسان «کنایه از» خداوند (۲) به سربردن «کنایه از» گذراندن (۳) شوریدگی رنگ «کنایه از» آشفستگی (۴) شیردردنده بودن «کنایه از» قدرتمندی / چو روباه شل بودن «کنایه از» ضعف

۳۷ بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) دست و پای «مجاز از» توان و امکان (۲) سر «مجاز از» انسان (۴) وجود «مجاز از» اعمال و رفتار

۳۸ رنگ «مجاز از» حال / هوش «مجاز از» هوشیاری / بازو «مجاز از» کار و تلاش / سعی «مجاز از» نتیجه کار و تلاش

۱ نژند: اندوهگین / رای: دیدن با عقل

۲ صنع: کار / قوت: رزق روزانه / یقین: بدون شک / زنخدان: چانه

۳ چاشنی: آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه می‌شود. / نژند: خوار و زبون، اندوهگین / خلق: مردم

۴ بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) سرای: خانه و منزل (۳) چنگ: دست و پنجه (۴) یقین: اطمینان

۵

۶ غریب «قرین

۷ بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) صنع «صنع

۸ می‌خُرد «می‌خورد (۳) شغالی «شغالی

۹ «بصیر» با دیگر کلمات هم‌خانواده نیست.

۱۰ جیب و گریبان «ترادف

۱۱ نگون بخت و اقبال «نگون بخت به معنی یک فرد بدبخت، اما «اقبال» به معنی خوشبختی است که هیچ تضادی ندارند.

۱۲ بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) مهراب «محراب

۱۳ دقل «دغل (۴) خیش «خویش

۱۴ «شد» در بیت‌های «الف» و «ب» به معنای «شد» (فعل اسنادی) به کار رفته است.

۱۵ وامانده «باقی‌مانده غذا

۱۶ بیت دارای یک جمله یک‌جزئی استثنایی با فعل حذفی «آغاز می‌کنم» است. / «حلاوت سنج معنی» ترکیب اضافی است.

۱۷ توجه: «آن» در هر دو مصراع صفت است، نه ضمیر. «او» در هر دو مصراع نهاد و ضمیر «ش» در هر دو مصراع مفعول است.

۱۸ آن (صفت) سر(نهاد) بلند(مسند) است که او(نهاد) آن(مفعول) را بلند (مسند) خواهد / آن (صفت) دل(نهاد) نژند(مسند) است که او(نهاد) آن (مفعول) را نژند (مسند) خواهد.

۱۹ بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) «در» هسته اولین گروه اسمی است. (۳) «نابسته» مضاف‌الیه و «کس» متمم است. (۴) بیت سه جمله دارد.

۲۰ هسته‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: «کس، وضع، سو، آن» «خرد» متمم است.

۲۱ گزینۀ (۳) نقش مفعولی و بقیۀ گزینه‌ها نقش نهادی دارند.

۲۲ نه از تدبیر کار آید نه از رای [کار آید].

۲۳ بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) تقدّم فعل بر متمم (۲) تقدّم فعل بر نهاد (۳) تقدّم فعل بر صفت و متمم.

۲۴ «بی‌دست‌وپای» وابسته پسین (صفت بیانی) است.

۲۵ در بیت «الف» روباه بی‌دست و پای «روباه»: مفعول و در بیت «د» شغال نگون بخت «شغال»: مفعول



۹۶۷- در عبارت زیر، مرغزار، چگونه توصیف شده است؟

«آورده‌اند که در ناحیه کشمیر متصیدی خوش و مرغزاری نزه بود که از عکس ریاحین او پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.»

(۱) بس که دل انگیز بود، طاووس‌ها و زاغ‌ها با آرامش خاطر و صفا با هم زندگی می‌کردند.

(۲) بس که در آن طاووس‌های زیبا وجود داشتند، زاغ‌ها مجال حضور نمی‌یافتند.

(۳) زیبایی آن، زشت‌ها را زیبا و زیباییان را زیباتر نشان می‌داد.

(۴) بازتاب زیبایی آن، زشت را نیز زیبا جلوه می‌کرد و زیباییان در برابر آن، زشت دیده می‌شدند.

۹۶۸- مفهوم بیت «به حرص از شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم / بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا» در کدام گزینه، کامل بیان شده است؟

(هنر ۷۸)

(۱) چون زمینه‌ها و انگیزه‌های گناه فراهم بود، از ارتکاب خطاگری نبود.

(۲) چنانچه آب را گوارا نمی‌یافتیم، هرگز این خطا از من سر نمی‌زد.

(۳) عطش حاصل از گرمای طاقت‌فرسا مرا به ارتکاب گناه برانگیخت.

(۴) اگر از عقل و خرد بهره‌ای می‌داشتم، میلی به خطاکاری نبود.

۹۶۹- با توجه به شاهنامه فردوسی، پدر فریدون که بود و به چه سرنوشتی گرفتار آمد؟

(هنر ۷۹)

(۱) آبتین - مغز سرش غذای ماران شد.

(۲) سیاوش - در سرزمین غربت کشته شد.

(۳) کیخسرو - به مرگ طبیعی درگذشت.

(۴) کیکاووس - به ناکامی و تیره‌روزی درگذشت.

۹۷۰- در بیت «خروشید کای پامردان دیو / بریده دل از ترس گیهان‌خدیو» منظور از «دیو» و «گیهان‌خدیو» کدام است؟

(انسانی ۷۹)

(۱) شیطان - امیر

(۲) شیطان - فریدون

(۳) ضحاک - خدا

(۴) ضحاک - فریدون

۹۷۱- معنی «قلاکردن» در عبارت «من قلاکردم و روزی که پیرزن نبود، رفتم سر بقچه‌اش» چیست؟

(انسانی ۷۹)

(۱) از جای کردن

(۲) بی‌احتیاطی کردن

(۳) کلک زدن

(۴) نادانی کردن

۹۷۲- «بونصر را بگویی که امروز دُرستم و در این سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.» یعنی

(تجربی ۸۰)

(۱) به خاطر بونصر شایع کن که تندرست هستم و در روزهای آینده به دیدارتان می‌آیم زیرا مرض و تب از بین رفت.

(۲) به بونصر بگو که امروز حالم خوب است و در دو سه روز آینده اجازه ملاقات خواهم داد زیرا که بیماری و تب، کاملاً برطرف شد.

(۳) به بونصر خبر بده که من تا امروز حالم خوب بوده و دو سه روز مشغول ملاقات با افراد بودم چون دیگر هیچ بیماری ندارم.

(۴) به بونصر توضیح بده که اگر امروز حالم بهبود یابد تا دو سه روز دیگر رفع زحمت می‌کنم برای اینکه هیچ بهانه‌ای دیگر ندارم.

۹۷۳- کدام گزینه از متن زیر، دریافت می‌شود؟

(هنر ۸۰)

«تا این عارضه افتاده بود، بونصر نامه‌های رسیده را، به خط خویش، نکت بیرون می‌آورد و از بسیاری نکت، چیزی که در او کراهیتی نبود، می‌فرستاد فرود سرای، به دست من و من به آغاجی خادم می‌دادم و خیرخیر، جواب می‌آوردم و امیر را هیچ ندیدمی. تا آن‌گاه که نامه‌ها آمد از پسران علی تکین و من نکت آن نامه‌ها پیش بردم و بشارتی بود. آغاجی بستد و پیش برد. پس از یک ساعت، برآمد و گفت: ای بوالفضل، تو را امیر می‌بخواند. پیش رفتم، یافتیم امیر را میخفته در گردن، عقدی همه کافور.»

(۱) آغاجی خادم، نامه‌ها را از بیهقی می‌گرفت و به امیر می‌داد و پاسخ‌ها را از امیر به دست بیهقی می‌رساند.

(۲) بوالفضل نامه‌ها را تندتند به امیر می‌داد و پاسخ آنها را شخصاً از دست امیر می‌گرفت.

(۳) بیهقی وقتی مزده داد که نامه‌های پسران علی تکین رسیده است، امیر را شادمان دید.

(۴) بونصر به دور مطالب ارزشمند نامه‌ها خط می‌کشید تا امیر فقط آنها را بخواند.

(انسانی فارغ از کشور ۹۸)

- ۲) وزر و وبال، سیب زنخدان، تضرع و التماس
- ۴) بیت‌الحنن و ماتم‌کده، سباح و زیبایی، مأوا و سریناه

(انسانی فارغ از کشور ۹۸)

- ۲) مثنوی معنوی، فیه مافیه، کوبر
- ۴) تیرانا، تذکرة‌الاولیا، بخارای من ایل من

(انسانی فارغ از کشور ۹۸)

- که این چه ساق است و ساعد باریک
پیش چشمت جهان کنم تاریک»
- ۲) درشتی ز کس نشنود نرم‌گوی
 - ۴) دشمن چه کند چو مهربان باشد دوست

(انسانی فارغ از کشور ۹۸)

- هر که را در جان، غم جانانه نیست»
- گوش هر خام کجا لایق گفتار من است
نه هر که گوش کند معنی سخن داند
من که زخمش را نهان از چشم سوزن داشتم
هر که گوش‌پهن سازد محرم این راز نیست

(انسانی فارغ از کشور ۹۸)

- بنای زندگی بر آب می‌دید»
- زنده آن است که با دوست وصالی دارد
تکیه مکن بر او و بهش باش زینهار
بده آن باده نوشین که جهان بر باد است
مزن به هرزه نفس زان که زندگی نفسی است

(انسانی فارغ از کشور ۹۸)

- بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا»
- همه عالم به چشم چشمه آب
کاین شتر صالح است یا خر دجال
در همه شهر دلی نیست که دیگر بر بایی
عقل باور نکند کز رمضان اندیشد

۱۱۳۴- در کدام گزینه، املائی یکی از واژه‌ها غلط است؟

- ۱) تأمل و مکث، نشئه خوب، طاق ضربی
- ۲) کراهیت و ناپسندی، صعب و سخت، مگار و دغل

۱۱۳۵- در کدام گزینه، موضوع همه آثار همسان و هماهنگ است؟

- ۱) منطق‌الطیر، کوبر، تمهیدات
- ۲) تمهیدات، فی حقیقه‌العشق، فیه مافیه

۱۱۳۶- ابیات زیر، مصداق کدام ضرب‌المثل است؟

- «مگسی گفت عنکبوتی را
گفت اگر در کمند من افتی
حال هر کس موافق قال است
دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد

۱۱۳۷- مفهوم بیت زیر از همه ابیات دریافت می‌شود، به جز:

- «نیست جانش محرم اسرار عشق
۱) آتش از گرمی افسانه من گوش گرفت
۲) پیام اهل دل است این خیر که سعدی داد
۳) کی به هر نامحرمی چاک جگر خواهم نمود
۴) پیش گل نتوان حدیث روی او گفتن سلیم

۱۱۳۸- همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

- «ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی
۱) زندگانی نتوان گفت حیاتی که مراسم
۲) دل بر جهان منه که جهان را ثبات نیست
۳) دل من بی تو جهانی است پُر از فتنه و شور
۴) چو صبح هم‌نفس مهر آفتابی باش

۱۱۳۹- کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «به حرص از شربتی خوردم مگیر از من که بدکردم
۱) تشنگان را نماید اندر خواب
۲) چون سگ دزنده، گوشت یافت نپرسد
۳) روز صحرا و سماع است و لب جوی و تماشا
۴) ملحد گرسنه در خانه خالی بر خوان



۱- از واژگان داخل کمانک، چند واژه نادرست معنا شده است؟

(اقبال: سعادت) (حمیت: جوانمرد) (ضعب: دشواری) (آماس کردن: گنجایش پیدا کردن) (سست‌عنصر: بی‌غیرتی) (طوع: فرمان‌بردار) (نفایس: چیزهای نفیس و گران‌بها) (افراط: از حد درگذشتن، زیاده‌روی) (افسر: صاحب منصب) (ضباحث: جمال)

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۲- معنای واژگان «افگار، حلاوت، فروماندن، شبگیر، مهملی» در کدام گزینه به ترتیب، درست آمده است؟

(۱) خسته، شیرینی، متحیرشده، سحرگاه، بیهوده و خیره
(۲) مجروح، شیرین، حیرت‌زده، پس از صبح، گراف
(۳) زخمی، حلوا، متحیر، سحرگاه، سست و تنبل
(۴) خسته، شیرینی، متحیر شدن، پیش از صبح، بی‌کارگی و تنبلی

۳- در کدام گزینه معنای واژه کاملاً درست آمده است؟

(۱) آغوز: شیری که یک ماده به نوزادش می‌دهد و سرشار از مواد مقوی است.
(۲) نمَد: لباسی کلفت که از پشم یا گرگ مالیده می‌سازند.
(۳) زنبورک: نوعی توپ جنگی کوچک دارای دو چرخ که روی شتر می‌بستند.
(۴) کلون: قفل چوبی که جلوی در نصب می‌کنند و در را با آن می‌بندند.

۴- در متن زیر چند غلط املائی دیده می‌شود؟

«گفت: این کبوتران تکفل کرده‌ام و ایشان را از آن روی بر من حقی واجب شده است و چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگذارند و به مؤونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم، مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد و مواجب صیادت را به عدا رسانید.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۵- در کدام گزینه غلط املائی دیده نمی‌شود؟

(۱) بر آن گرزۀ گاوسر دست برد
(۲) مگو سوخت جان من از فرط عشق
(۳) شجاع قضنفر وصی نبی
(۴) چو شیر خدا راند بر خسم تیغ
بزد بر سرش ترگ بشکست خورد
خموشی است هان اولین شرط عشق
نهنگ یم قدرت حق علی
به سر کوفت شیطان دو دست دریغ

۶- نسبت چند اثر به پدیدآورنده آن نادرست است؟

(فرهاد و شیرین: نظامی) (بهارستان: جامی) (تحفة الاحرار: نجم‌الدین رازی) (زندگانی جلال‌الدین محمد، مشهور به مولوی: دکتر شفیع کدکنی) (اسرارالتوحید: ابوسعید ابوالخیر) (روزها: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن)

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۷- نویسندگان کتاب‌های «لیلی و مجنون - تذکرة الاولیا - مرصادالعباد - عباس میرزا، آغازگری تنها» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) جامی، عطّار، محمدبن منور، مجید واعظی
(۲) نظامی، عطّار، نجم دایه، قائم‌مقام فراهانی
(۳) جامی، عطّار، نجم‌الدین رازی، مجید واعظی
(۴) جامی، محمدبن منور، شمس قیس رازی، قائم‌مقام فراهانی

۸- کدام اثر درست معرفی نشده است؟

(۱) دیوان غربی - شرقی: یوهان ولفگانگ گوته
(۲) غزلیات شمس: شمس تبریزی
(۳) در امواج سند: مهدی حمیدی شیرازی
(۴) تاریخ بیهقی: ابوالفضل بیهقی

۹- فعل کدام جمله مجهول است؟

(۱) این دبیر کافی تا نماز دیگر از این مهمات فارغ شده بود.
(۲) امروز درستم و علت و تب تمامی زایل شد.
(۳) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد.
(۴) نامه نبشته آمد و به توقیع مؤکد گشت و خیلناشان برفتند.



- ۱- از مجموع واژگان داخل کمانک، چند واژه نادرست معنا شده است؟
 (بار: اجازه، رخصت) (آفاق: کرانه آسمان) (اژدهاپیکر: دارای نقش اژدها) (خدو: پادشاه) (خایب: بی بهره) (عیار: سنجه) (خون: بزرگ قوم)
 (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
- ۲- معانی واژگان «تیره‌رایی، وُبال، پایمردی، شکاری» به ترتیب، در کدام گزینه درست آمده است؟
 (۱) ناراستی، گناه، خواهشگری، نخجیر
 (۲) بداندیشی، گرانی، میانجی، نخجیر
 (۳) ناراستی، سختی، شفاعت، شکار کردن
 (۴) بداندیشی، عذاب، مردانگی، صیاد
- ۳- معنای کدام واژه در برابر آن نادرست آمده است؟
 (۱) قَلَا کردن: کمین کردن
 (۲) مواجب: وظایف و اعمالی که انجام آن بر شخص واجب است.
 (۳) اَبْرَش: اسبی که دارای پوست خال‌دار یا رنگ به رنگ است.
 (۴) بازارگاه: محل رفت و آمد
- ۴- در متن زیر، املاي چند واژه نادرست آمده است؟
 «حاج آقا، عزز می‌خواهم! وقتی در حضور جمع به مصاحبه به تنومندی یک نظامی اشاره می‌کنید، شما را به بی‌عدالتی مَتَهَم خواهند کرد و همه‌جا خواهند گفت که آقای مدرّس، مردِ خوب و شوخِ تبعی است که سخنانِ نمکین بسیار می‌گوید اما مسائلِ جدّی قابلِ تعَمَل، چندان که باید، در چنته ندارد و دشمنانِ شما بهانه خواهند یافت و شما را خواهند کوبید.»
 (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
- ۵- در گروه کلمات کدام گزینه، غلط املایی دیده نمی‌شود؟
 (۱) نهیب و فریاد - حمیت و تعصّب - صفیر و آواز
 (۲) محضر و استشهدانامه - خالیگر و آشپز - استخلاص و رهایی جُستن
 (۳) الطفات و توجّه - اهمال و کاهلی - ثَقّت و اطمینان
 (۴) عصیان و نافرمانی - فرنگی‌معاب و متجدّد - شماتت و ملامت
- ۶- در کمانک‌های زیر نسبت چند اثر به پدیدآورنده‌اش، درست آمده است؟
 (بهارستان: محمدبن منوّر) (زندان موصل: مجید واعظی) (روزها: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن) (مرصاد العباد: نجم‌الدین دایه) (روضه خلد: مَجد خوافی) (شلوارهای وصله‌دار: غلامحسین یوسفی) (سه‌دیدار: نادر ابراهیمی)
 (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش
- ۷- در کدام گزینه همه آثار به نثر نگاشته شده است؟
 (۱) کلیله و دمنه، غزلیات شمس، حمله حیدری
 (۲) فرهاد و شیرین، جوامع الحکایات، تذکرةالاولیا
 (۳) تحفةالاحرار، بوستان، لیلی و مجنون
 (۴) مرصادالعباد، تاریخ بیهقی، اسرارالتوحید
- ۸- نویسنده کدام اثر نادرست است؟
 (۱) ماه نو و مرغان آواره: رابیندرانات تاگور
 (۲) پیامبر و دیوانه: جبران خلیل جبران
 (۳) پرنده‌ای به نام آذرباد: سیاستین باخ
 (۴) دیوان غربی - شرقی: یوهان ولفگانگ گوته
- ۹- چند واژه با در نظر گرفتن جایگاه همزه از نظر املایی نادرست است؟
 «هیئت - الان - مار بوآ - مبدأ - رؤیا - مؤلف - متألّی - جزء - اجرت - آسان - مأکد - مأخذ - شیء»
 (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک
- ۱۰- در عبارت «سعدی که انعطاف جادوگرانه‌ای دارد، آن قدر خود را خم می‌کرد که به حدّ فهم ناچیز کودکانه من برسد. چشم عقاب و لطافت کبوتر که هیچ حُفَره‌ای از حُفَره‌های زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد.» به ترتیب، چند ترکیب «وصفی» و «اضافی» به کار رفته است؟
 (۱) هفت، پنج (۲) شش، شش (۳) پنج، شش (۴) پنج، پنج